

* مهدی مدائنی

مقاله



ظفرنامه

حمدالله مستوفی

«منظومه حجیم تاریخی زبان فارسی»

می آیند. موضوع سخن ما در این مقال، مورخ و جغرافیادان نامی قرن هشتم، حمدالله مستوفی، است که از مشاهیر مؤلفان تاریخ و جغرافیا در دوران یاد شده است. اغلب اشتهار وی در تاریخ نگاری و جغرافیادانی اوست، و قدر و نام اثر معتنابه و چشمگیر وی، یعنی منظومه حجیم تاریخی ظفرنامه به نحوی نامعتادل و نامتعارف مفعول و کمابیش مجهول باقی مانده است و به گمان این بنده اثر یاد شده، در صورت توجه کافی، می توانست وجه غالب اشتهار وی به عنوان مورخی ادیب و شاعری برجسته باشد.

منظومه ظفرنامه، محصول حشر و نشر ناظم آن با مجامع سیاسی - ادبی آن دوران و منتج فراغت‌هایی است که مصنف آن علی رغم اوضاع متلاطم سیاسی - اداری - فرهنگی زمانه‌اش با مشی هوشمندانه خویش توفیق کسب آن را از برای خود فراهم داشته است، که شرح گسترده آن در حوصله این خلاصه نمی‌گنجد.

حمدالله مستوفی بر اثر نشست و برخاست با مجامع سطح بالای علمی - ادبی دوران خود و

به سائقه احترام و علاقه و توجه عمیقش به حکیم ابوالقاسم فردوسی و اثر سترگ و جاودانه او، شاهنامه، اقدام به فراهم آوردن نسخه‌ای ممتنع و منقح از این شاهکار بی‌بدیل جهانی (که امروزه از آن به تصحیح انتقادی متن تعبیر می‌شود) کرده است.

در رهگذر این اقدام مبتکرانه، طرح سرودن منظومه پرحجم ظفرنامه در ذهن آن مورخ نامدار جای گرفت و صورت عمل یافت. گفتنی است که این منظومه همانند سایر آثار مقلدانه از توفیق چشمگیر

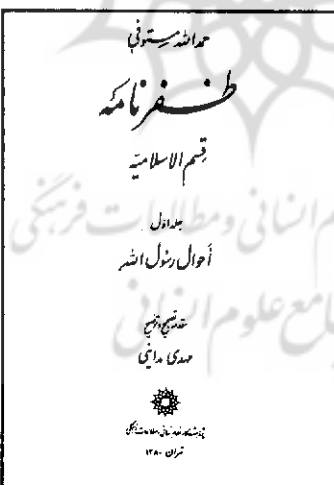
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طرح تصحیح انتقادی متن ظفرنامه حمدالله مستوفی قزوینی را وجهه همت خود قرار داده است.

در سرآغاز کار قرار بر آن شد که بخشهای نخستین از قسم الاسلامیه ظفرنامه (متضمن احوال رسول الله: مجلد نخستین؛ خلفای راشدین و بنی امیه: مجلد دوم) در زمره آثاری که به مناسبت سال امیرالمؤمنین علی(ع) انتشار می‌یابد، به نحو فوق‌العاده آماده چاپ و انتشار شود. خدای را سپاس که مجلدات یاد شده هم اینک انتشار یافته و به معرض نقد و نظر صاحب نظران و فضایی اهل فن قرار گرفته است، بمنه و کرمه.

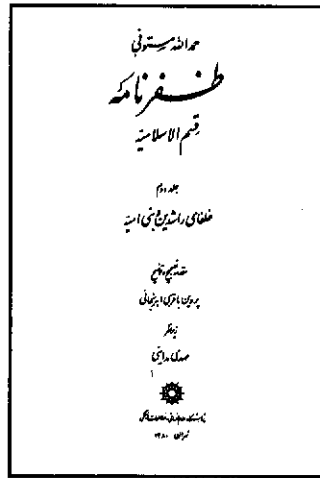
اگر چه ایلفار وحشیانه مغولان به سرزمین ایران، سرآغاز بروز زینبارترین وقایع تاریخی و تاریکترین دوران زندگانی سیاسی - اجتماعی مردمان آن بوده است، مع ذلک به تعبیر بسیاری از صاحب نظران و به گواهی آثار بازمانده از این دوران حکومت ایلخانان مغول، با همه خسرانی که در پی داشت، یکی از درخشانترین دوران ترقی و رواج علم تاریخ و فن تاریخ نویسی در ایران به شمار است و شاید بتوان این دوره را «عصر طلایی» این علم و فن دانست.

در این دوره آثاری نفیس و معتنابه از قبیل جهانگشای جوینی، جامع التواریخ رشیدی، روضة اولی الالباب فی تواریخ الأكابر و الأنساب (تاریخ بناکتی)، تجزیه الأمصار و تزجیه الأعصار (تاریخ و صاف)، مجمع الأنساب شبانکاره‌ای و تاریخ گزیده خلق شده است که اگر نتوان بی‌بدیشان خواند، بی‌گمان از جمله آثار کم نظیر این فن به شمار

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی.



هنری اثر اصلی و مقلد خود برخوردار نیست، به ویژه که این دو اثر در زمینه‌های متفاوت (اسطوره و تاریخ) سروده شده باشد. این ویژگی حتی در منظومه‌ای از یک شاعر، همانند فردوسی نیز محسوس است. چنان که درخشش و بلندای سخن در بخش اساطیری شاهنامه الزاماً به کم فروغی کلام در بخش تاریخی می‌انجامد.



علی‌ای حال با توجه به زمینه‌های متفاوت موضوع و به نسبت حجم، سراینده زعفرنامه را می‌توان از مقلدان برجسته فردوسی قلمداد کرد.

حمدالله مستوفی در منظومه زعفرنامه به پیروی از شاهنامه پس از ذکر مقدمه و تأملات فلسفی، متن صرفاً تاریخی خود را (متضمن هفتاد و پنج هزار بیت) بر سه قسم زیر منقسم داشته است:

الف) قسم الاسلامیه: این بخش مشتمل است بر تاریخ عرب و اسلام که پس از اشارتی کوتاه به تاریخ عرب به شرح احوال رسول الله (سیرت النبی) و تاریخ صدر اسلام، از تولد تا رحلت حضرت ختمی مرتبت پرداخته است (مجلد نخست)، و سپس به تاریخ خلفای راشدین و بنی امیه و بنی عباس و فاطمیان ختم شده است (این قسم حدود بیست و پنج هزار بیت را شامل است).

ب) قسم الأحکامی (عجمی) متضمن بر تاریخ دوره سلطنت سلسله‌های سلاطین ایران تا پایان خوارزمشاهیه است (حدود بیست هزار بیت).

ج) قسم السکطانیه: به شرح مختصری از تاریخ مغول در مقدمه و تشریح تاریخ دوره حکومت ایلخانان در ایران (تا سال ۷۳۵ هـ) پرداخته است، که به نظر بسیاری از فحول اهل علم و فن تاریخ‌نگاری از بخش‌های معتابه مندرج در این کتاب به شمار می‌آید. (آیات این بخش مشتمل بر حدود سی هزار بیت است از ظهور چنگیزخان تا پادشاهی غازان خان).

ناظم این اثر، تبویب و تقسیم زعفرنامه را طی ابیاتی چنین بیان داشته است:

چو کردم شروع اندر این داستان

که آرم به هم کار آن راستان

در این خواستم یآوری از خدا

خرد گشت طبع مرا رهنما

مرا گفت چون ایزد دادگر
ترا داد طبع روان و هنر
ز ایام پیغمبر کامکار
در آور سخن تا بدین روزگار
چو مبداء ز دور محمد بود
از آن یمن نظمت مخلص شود
تواریخ ایام اسلام را
به دست آور و زان طلب کام را...
از آن رو در این کار بستم میان
گشادم به توفیق یزدان زبان
در این نامه از هفصد و چند سال

بگفتم حکایت ز هرگونه حال
سخن شد به هر صد ده اندر هزار
به هفتاد و پنج آمد آن را شمار...

چو در شخص مردم سه آمد نفوس
سه پیرایه کردم بر این نو عروس
نهادم نهاد سخن بر سه قسم
روان است شعر و حکایت چو جسم

ز هر قسمی آمد کتابی پدید
در خانه بخردی را کلید
که آن خانه زین گفته آبدار
شود رشک مینو و خرم بهار
کتاب نخستین ز کار عرب
پدید آمده نکته‌های عجب

به «اسلامی» آن را لقب آمده
چو اسلام از اهل عرب آمده
کتاب دوم شرح حال عجم
در او گشته پیدا ز بیش و ز کم

به «حکامی» آن را نهادم به نام
چو بر حکم دین آن دول شد تمام
کتاب سوم آمده از مغول
فرورنده چون از چمن برگ گل
به «سلطانی» آمد مر آن را خطاب
چو دارد به «سلطان دین» انتساب

و نیز در خاتمت کتاب زعفرنامه طی ابیاتی مضامین یاد شده را بدین نحو بیان داشته است:

کنون زین سخن داستانی نماند

که طبعم نه بر وی دُر برفشاند

چو سالم درآمد به حدّ چهل
 خرد گشته شاهنشاه مُلک دل
 به تاریخ پیشین فرودم هوا
 که بد ساز آن سر به سر بی نوا
 ز عهدِ نبی تا بدین روزگار
 بُند هیچ تاریخ نظم آشکار
 مرا آرزو کرد کاندلر سخن
 بیوندم آن داستانِ کهن
 ولیکن به دل گفتم از طبع من
 همانا نیاید نکو این سخن
 ز مرد عمل پیشه این گفت و گو
 نیاید، مجو این چنین جست و جو

بکوشیدم از عون پروردگار
 بگفتم چنین نامه نامدار (۱۳۷۲)
 کشیدم در این پانزده سال رنج
 بگفتم سخن پانزده بار پنج
 عرب بیست و پنج و عجم بیست هزار
 مفعول سی هزار آمد اندر شمار
 صد و شصت بیتش ز گفت کسان
 به تضمین سخن آمد اندر میان
 ز هجری شده هفصد و سی و پنج
 بر از رنج این نامه‌ام بود گنج
 ز اسکندری از هزار این زمان
 چل و چار و سیصد فزون سالیان
 ز شه یزدگردی دو بر هفتصد
 فزون گشته شد رهنمایم خرد
 کتاب ظفرنامه کردم تمام
 ز ما بر پیامبر درود و سلام

شیوه مختار در تصحیح متن ظفرنامه

روش کار ما در تصحیح، مبتنی است بر شیوه تصحیح متونی که نسخه منحصر به فرد دارند. از آنجا که در این گونه تصحیح متن، صحت و سلامت کار منحصرأ منوط و متکی بر ذوق و سلیقه و قیاس و اجتهاد شخص مصحح، بدون دستیاری نسخه بدلیها است، بنابراین حاصل کار رنج و مشقتی است توانفرسا و تکاپویی بی‌امان و گه‌گاه بی‌سرانجام در منابع و مراجع نامحدود و سرگردانی بی‌پایان در محدوده گره خورده یک نسخه منحصر به فرد؛ و دست آخر هم مصحح می‌ماند و انبوهی از دغدغه و وسوسه و عدم اطمینان و وثوق به منتجه کار.

با وجود این در ابتدای اقدام به تصحیح این متن معظم به منظور احترام به همت بلند صاحب این اثر که پانزده سال از بهترین سالهای عمر خود را مصروف کاری بدین وسعت و عظمت کرده است، وسوسه هراس و تشمت را از دلها رانده و کار را آغاز کردیم. پاره‌ای از مشکلات ما در کار تصحیح این متن بدین قرار بوده است:

۱. مع الأسف کاتب نسخه بر اثر کم‌سوادی در نقطه‌گذاری و مُعرب و مشکول کردن کلمات تساهلی فوق العاده معمول می‌داشته است که این مشکل هم در متن کتاب ظفرنامه و هم در حاشیه آن، یعنی شاهنامه به نحو یکسان به چشم می‌خورد. فی المثل گوئیا پس از کتابت هر صفحه مقداری نقطه را، بجا و نابجا، بر عرصه صفحه پراکنده کرده و نتیجه آن شده است که بعض کلمات بی نقطه و برخی هم نقطه‌های اضافی و نابجا دارد.

۲. در مواردی متعدّد بر اثر بی توجهی و حواس‌پرتی کاتب، کلمات و ترکیبات و حروف چنان در هم ریخته و جابه‌جا نوشته شده است که وزن مصرعها و بیت‌ها مختل شده و پیدا کردن صورت درست آنها بیشتر به حلّ معما و چیستانهای پیچیده و یا ردیف کردن پازل‌های درهم ریخته می‌ماند تا به تصحیح متن.

۳. در برخی موارد کلمه یا کلماتی از متن ابیات ساقط شده است که به کمک حدس و گمان و ذوق و سلیقه صورت ناقص و مبهم کلمه را کامل و مفهوم کرده‌ایم و آنچه را به متن افزوده‌ایم، در داخل قلاب [] گذاشته‌ایم.

۴. وسوسه و تشویش از قلم افتادن بیت یا ابیاتی از متن نیز تا هم اکنون در دل ما جای خوش کرده است، که امیدواریم روح حمدالله مستوفی بر این کاتب خوشنویس و هنرمند، امّا کم سواد و کم دقت ببخشاید؛ زیرا این مصنف محقق که تعصبی چنین شدید و انتظاری وسواس گونه در نقل صحیح دستنوشته‌های خود از کتاب داشته است، بنا به مشی و ماب مدققانه‌اش قطعاً جانب رعایت امانت در نقل کتبی و شفاهی از آثار دیگران را هم سخت مرعی می‌داشته است. بدین لحاظ است که در پایان ظفرنامه این حساسیت خود را اعلام و درخواست خود را مؤکداً چنین بیان کرده است:

بزرگان اگر از بزرگی خود
 نگیرند خرده به من بر سزد
 وگر رجف و عجزی بود اندر او
 بپوشند ذیل عنایت بر او
 به اصلاح کوشند در گفت بد
 که از نیکمردان نکویی سزد
 ز روی کرم در حق من دعا
 کنند از سر صدق پیش خدا

گزارش نسخه های خطی ظفرنامه و ذیلهای آن

نسخه لندن:

۱. نسخه اساس کار در تصحیح متن نسخه‌ای است متعلق به کتابخانه موزه بریتانیا (لندن) به شماره Or. 2833 و مورخ به سال ۸۰۷ هجری، در ۲۷۹ برگ (۱۵۵۹ صفحه)، به ابعاد $\frac{۱۳ \times ۹}{۴}$ اینچ، به خط محمود بن سعید بن عبدالله الحسینی. متن نسخه متضمن ظفرنامه است در چهارستون دو بیتی و هر صفحه ۲۷ سطر. در کناره هر صفحه سه طرف آن به طور مورب و در یک ستون (۵۸ مصراع = ۲۹ بیت) گنجانده شده است. عنوانها مذهب است. در صفحه ۱۴۷۳ که متن ظفرنامه پایان می‌پذیرد، خاتمه کتابت به توسط کاتب نسخه چنین نگاشته شده است: «تَمَّتْ الْكِتَابُ التَّوَارِيخِ الْمَنْظُومِ بِحَمْدِ اللَّهِ تَعَالَى وَ حَسَنِ تَوْفِيقِهِ، وَ الصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأَمِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ، وَ قَدْ فَرِغَ مِنْ تَحْرِيرِ هَذِهِ النُّسخَةِ الْمِيمُونَةِ عِنْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ الْعَشْرِ الْأَوَّلِ رَمَضَانَ الْمُبَارَكِ لِسَنَةِ سَبْعٍ وَ ثَمِنِمَّةِ الْهَجْرِيَّةِ، أَضْعَفُ عِبَادِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَحْوَجُهُمْ إِلَى عَفْوِهِ وَ غُفْرَانِهِ، الْفَقِيرُ إِلَى اللَّهِ الْغَنِيِّ، مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ، تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ تَوْبَةً نَصُوحًا وَعَفَا عَنْهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ شَفِّعِ الْأُمَّةَ وَ إِمَامَ الْأَيْمَةِ وَ آلِهِ وَ صَحْبِهِ أَجْمَعِينَ» و از صفحه ۱۴۷۴ که تتمه و دنباله شاهنامه است، اشعار شاهنامه، هم در حاشیه و هم در متن ادامه یافته است. صفحه ۱۴۷۴ با عنوانی این چنین آغاز شده است: «بَقِيَّةُ الْحَاشِيَةِ مِنْ شَاهِنَامَةِ» «نامه خسرو به قیصر روم». در پایان کتاب هم پس از خاتمه شاهنامه در آخرین ورق (۲۷۹) با خط نسخ بسیار خوش که نشان از هنرمندی کاتب دارد، ابتدا با اشعاری در بخش متن صفحه به قلم متوسط و سپس در بخش انتهایی حاشیه همان صفحه (به قلمی ریزتر) با مطالبی از سوی کاتب متن کتاب پایان می‌یابد. اینک آن اشعار و مطالب:

بماناد جاوید این شاه نو

ز باغ مرادش جدا گشته خو

مبادا بجز نیکیش هیچ کار

رساناد نیکی بدو کردگار

پس مرد بد از درش ثور باد

ز عدلش جهان جمله معمور باد

درین تخمه بادا همیشه شهی

مبادا ازین تخمه گیتی تهی

نگهدار بادا جهان آفرین

به هر جا که باشد خداوند این

علته علی سبیل الاستعجال أضعفُ عبادالله وأحقر خلق الله تعالی و
أحوجهم إلى عفوهِ و غفرانه محمود الحسینی غفر الله له و لوالدیه

مگر کز دم پاکشان کردگار

ببخشد گناهان این خیره کار

که از فضل حق بادشان راست کار

مبادند از دادگر شرمسار

هزار آفرین باد بر جان او

چو گردد ظفرنامه را نسخه جو

نیندازد ایات و الفاظ هیچ

نه در کار تغییر سازد سپیج

بکوشد که نسخه نویسد درست

نگرداندش روز بازار سست

وگر زان که چیزی نیندازد او

سراندر مقابل نیفرارزد او

چه گویم او را خود این بیت بس

که گفت آن سخنگوی شیرین نفس

ز گوینده کژی نیاید پدید

نشاید سخن زاین فزون گسترد

۵. در ضبط و ثبت اسامی مندرج در این متن، که از برای چنین

متنی خصلتاً امری حساس هم هست، از دو روی مشکل وجود دارد:

یکی از وجوه آن متعلق است به ناظم متن یعنی حمدالله مستوفی که به

دلیل عدم گنجایش برخی اسامی در وزن مختار منظومه (بحر متقارب)

به ناچار ضبط نامها با شکستگی و تحریف و تصحیف رو به رو شده و

مصنّف گه‌گاه توضیح آن را طی بیت و ابیاتی اعلام کرده است. وجه

دیگر کم سوادى و کم دقتی کاتب است که در صورت آن اسم تخلیط و

تصحیف ایجاد کرده و یا بدون نقطه نوشته و گاهی هم به غلط

نقطه‌گذاری کرده است.

۶. مطالب و موضوعاتی را که در نظر ما سهو می‌نموده است، با

مراجعه به متون معتبر در آن رشته در پانویس توضیح داده‌ایم.

۷. هرگاه ابهامی در صورت مضبوط متن احساس کرده‌ایم، در

پانویس توجیه خود را ابراز داشته‌ایم.

۸. اشارات متن را که به نظر ما به آیات کریمه قرآن و احادیث نبوی

راجع بوده است؛ در پانویس متذکر شده‌ایم. از این بابت چنانچه سهوی

رخ داده باشد، از خوانندگان کریم و فاضل درخواست بخشش داریم.

۹. هرگاه صورت درست برخی کلمات و مصاریع و ابیات بر ما روشن

نبوده است، گاه در متن و گاه در پانویس با علاوه کردن علامت سؤال (؟)

درماندگی خود را از دریافتن صورت درست آن اعلام داشته‌ایم و بدین

وسیله از آستان اهل علم درخواست رهنمایی کرده‌ایم.

ولجميع أمة محمدٍ صلى الله عليه و سلم، في العشر الاخر رمضان المبارك، افاض الله بركاتها، سنة سبع و ثمانمائة بمدينة الأمان شیراز، حماها الله تعالى من كيد العاندين، و الحمد لله رب العالمين.»

نسخه های نوشناخته

تقریباً در پایان کار تصحیح بخشهای نخستین قرار داشتیم که از چاپ فاکسیمیله (عکسی) ای از نسخه خطی ظفرنامه (مورخ ۸۰۷ هجری) مضبوط در کتابخانه موزه بریتانیا به همت مرکز نشر دانشگاهی



تصویر صفحه پایانی متن شاهنامه حاشیه ظفرنامه حمدالله مستوفی نسخه خطی مورخ ۸۰۷ هجری موزه بریتانیا (شماره ۰۲.۲۸۲۳)

ایران و انتشارات آکادمی علوم اتریش آگاه شدیم. از طریق پیشگفتار ممتح استاد پژوهشگر جناب آقای دکتر نصرت الله رستگار، از وجود دو نسخه باز شناخته دیگر از ظفرنامه حمدالله مستوفی آگاه شدیم که مع الأسف عمده راه را رفته بودیم. اگر چه آقای دکتر رستگار هم، با وجود امکانات موجود در اروپا، به آن دو نسخه به طور مستقیم و عینی دسترسی نیافته اند، ما اگر مطلع هم می بودیم، بنا به وضعیتی که بر کار تهیه عکس و میکروفیلم، آن هم از کشورهای خارجی حاکم است، گمان نمی رود که چاره ای جز ادامه راه، به همان صورت پیشین و بر اساس همان نسخه منحصر به فرد (۸۰۷ هجری موزه بریتانیا) می داشتیم. البته جای بسی امیدواری است که دست کم بنا به اطلاعات منابعی که آن دو نسخه را معرفی کرده اند، نسخه مورد استناد ما در تصحیح، اقدم نسخ ظفرنامه است. به هر حال بازشناسی دو نسخه نوشناخته موزه آثار اسلامی و ترک استانبول را که گویا مدیون معرفی محقق نامدار ترک، زکی ولیدی طوغان هستیم و او برای نخستین بار در کتاب تاریخی اصول (اصول تاریخ) خود (۱۹۵۰ م.) به معرفی مختصر آنها پرداخته است. و سالها بعد دکتر ال. جی. وارد (word) در رساله دکتری خود تحت عنوان ظفرنامه حمدالله مستوفی و سلسله ایلخانان ایران به توصیف هر سه نسخه پرداخته است، نوید امید بخشی است بر این که در صورت توفیق تهیه آن نسخ کار تصحیح مابقی این متن صورت مدققانه تری به خود گیرد. این شاء الله^۱.

پای نوشتها:

۱. برای کسب اطلاع بیشتر در این باب نک به پیشگفتار چاپ فاکسیمیله (عکسی) کتاب ظفرنامه حمدالله مستوفی، چاپ تهران ۱۳۷۷-۱۳۷۸، زیر نظر دکتر نصرالله پورجوادی؛ دکتر نصرت الله رستگار؛ و نیز نک: به مقدمه چاپ پژوهشگاه علوم انسانی، ج ۱.

